

تربیت مبلغ برای ناشنوایان مصاحبه با روحانیون فعال و آموختگان زبان اشاره

مصاحبه‌گران: محمد نوری، علی نوری

اشاره

ناشنوایان مثل جوامع دیگر اقتضانات و ویژگی‌های خاص خود را دارد. کسی که برای آحاد این جامعه کار می‌کند ضرورتاً باید به این اقتضانات آشنا باشد و تجارب خودش به گونه‌ای باشد که بتواند به راحتی با آنها ارتباط برقرار کند. معلمان، مبلغان و دیگر افرادی که با افراد ناشنوا ارتباط دارند، حداقل باید زبان آنها را بدانند و بتوانند با زبان اشاره یا لب خوانی با آنها ارتباط بگیرند. اما حوزه علمیه و روحانیت که متعهد به راهنمایی و ارشاد عموم مردم و از جمله ناشنوایان است، باید فرهنگ، ادبیات و زبان ارتباط با این گروه را بداند. همانطور که مبلغ‌هایی که می‌خواهند به روسیه یا چین یا ژاپن اعزام شوند، زبان‌های روسی، چینی و ژاپنی را یاد می‌گیرند سپس اعزام می‌شوند، کسانی هم که می‌خواهند برای ناشنوایان تبلیغ کنند باید زبان اشاره را بدانند. متأسفانه تا سال ۱۳۹۳ از این موضوع غفلت شده و اولین بار دفتر حضرت آیت‌الله العظمی وحید زید عزه پشتیبانی از آموزش مبلغان را آغاز کرد و کلاسی برای این مبلغان ناشنوایان دایر گردید. اما این کلاس فقط یک دور برگزار شد و دور دوم هنوز برگزار نشده است. برای اینکه تجارب به دست آورده این دوره از دست نرود و بعداً کسانی مجدداً کار را از صفر شروع نکنند، درصدد برآمدیم با مسئولان و آموزش یافتگان این دوره گفت‌وگویی داشته باشیم.

حجة الاسلام آقای مهدی رفعتی در برپایی و پی‌ریزی این دوره و هم اکنون برای ایجاد مرکزی برای تربیت مبلغان برای ناشنوایان زحمات فراوان متقبل شده و تجارب ذی‌قیمتی کسب کرده‌اند. حجة الاسلام آقای محمد فراهانی و حجة الاسلام آقای محمد بهادری هم به عنوان دستیار گروه تلاش کرده‌اند؛ علاوه بر آن از دانش آموختگان این کلاس‌ها بوده‌اند. تجارب اینان هم سودمند است. در مجموع برای هدر نرفتن تجارب و دستاوردهای این حرکت و ماندگاری آن در تاریخ ناشنوایی و نیز در تاریخ روحانیت گفت‌وگوی سه ساعته با آقایان در دفتر فرهنگ معلولین به تاریخ ۲۰ شهریور ۹۴ داشتیم.

این روگروهی از طلاب تصمیم گرفتند موضوع را با علمای قم و دست‌اندرکاران درمیان بگذارند. همچنین تعدادی از نخبگان ناشنوی تهران به قم آمدند و خدمت حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی رسیدند. ایشان نیز بذل محبت داشتند و قرار شد مکانی جهت فعالیت‌های فرهنگی ناشنوایان اختصاص داده شود. ولی متأسفانه پیگیری‌های لازم صورت نگرفت و این جریان به نتیجه نرسید. از آنجا که ایشان همیشه در امور خیر به خصوص امور معلولان پیشقدم بوده و هستند؛ و هیئت ناشنوایان تهران و قم با کمک‌های ایشان تا کنون تداوم داشته و توسعه یافته است. و همین هیئت بود که ما را متوجه نیازهای تبلیغی آنان نمود.

نوری: آیا این ملاقات قبل از دیدار با آیت‌الله وحید بود؟
رفعتی: بله قبل از دیدار با آیت‌الله وحید خدمت جناب آقای شهرستانی رسیدیم. البته فرصت‌های زیادی پیش خواهد آمد که باید از ایشان استمداد طلبید. پس از دیدار با آقای شهرستانی با آیت‌الله وحید خراسانی دیدار و گفتگو داشتیم و در همین ملاقات ایشان اکیداً دستور دادند که نیازهای ناشنوایان پیگیری شود. آنان نیز بر لزوم یک مبلغ و متولی دینی برای ناشنوایان تأکید کردند. با این رویکرد حضرت آیت‌الله وحید به آقازاده و بیت خود امر فرمودند



نوری: لطفاً پیشینه‌ای از شروع به فعالیت خود در زمینه زبان اشاره بفرمائید.

رفعتی: آغاز کلاس‌های زبان اشاره در حوزه علمیه از برگزاری جلساتی در تهران شروع شد. البته شاید دوستان در بعضی شهرها با ناشنوایان و نیازهای آنها آشنا بودند؛ ولی ما در این جلسات متوجه نیازها و مشکلات ناشنوایان در عدم توانایی آنان برای فراگیری آموزه‌های دینی شدیم. از



که این مسأله باید به صورت جدی بررسی و پیگیری شود و قدم‌های مثبت و عملیاتی در این راستا برداشته شود.

نوری: لطفاً تاریخ این دیدار را بیان کنید.

رفعتی: اوایل تابستان ۱۳۹۳. پس از آن ملاقات، طی مذاکرات و رایزنی‌هایی که با حجة الاسلام و المسلمین حسن آقا وحید و مسؤولان فرهنگی و آموزشی مدرسه

باقرالعلوم (وابسته به بیت آیت الله وحید) صورت گرفت قرار شد یک طرح جامع آموزشی تدوین شود تا راجع به آن بحث و بررسی کنیم. طرحی جامع مبتنی بر آموزش زبان اشاره به طلاب حوزه علمیه در یک ترم و همچنین کارهای تبلیغی و نحوه ارتباط با مؤسسات و کانون‌های ناشنوایان را تدوین کردیم. این طرح به مرکز آموزشی خاتم‌النبین و آقای محمد کاشانی عرضه شد. ایشان در عرصه ادیان فعال و دارای تألیفات متعددی می‌باشند و از مفاخر به شمار می‌آیند. ایشان همکاری مطلوبی برای اجرای این طرح داشت و در مراحل تصویب و عملیاتی شدن آن بسیار کوشا بود. بالاخره از مهرماه سال گذشته کلاس‌ها در دو کلاس که در هر کلاس حدود ۲۰ نفر حضور داشتند تشکیل شد.

نوری: این کلاس‌ها در کجا برگزار می‌شد و آیا شما مرکز یا دفتری برای فعالیت‌هایتان داشتید؟

رفعتی: کلاس‌ها با رونق و شور و استقبال خاصی از سوی طلاب در مرکز آموزشی خاتم‌النبین برگزار می‌شد. شور و نشاط در این کلاس‌ها آن قدر زیاد بود که کمتر می‌توان نظیر آن را در کلاس‌های جنبی مراکز تخصصی یافت. در همین مرکز دفتری برای این منظور فعال شده است.

نوری: تعداد ثبت‌نام‌کنندگان چند نفر بودند؟
رفعتی: ثبت‌نام اولیه حدود ۸۰ نفر بود ولی در عمل ریزش داشتیم و افراد ثابت در هر کلاس حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر بودند و دو کلاس با همین تعداد ادامه پیدا کرد. البته بعداً کمتر هم شدند.

نوری: نحوه تبلیغ برای شرکت در این کلاس‌ها به چه صورت بود؟
رفعتی: ما فقط از طریق پیامک و بروشور، تبلیغ و اطلاع‌رسانی کردیم.

نوری: این کلاس‌ها چه عنوانی داشت؟
رفعتی: همان عناوینی که برای کلاس‌های مراکز تخصصی می‌گذارند؛ پذیرش دوره آموزش زبان اشاره برای طلاب حوزه علمیه. البته در ادامه بحث باید اذعان کنم که این کلاس‌ها خیلی زود نتیجه داد و ثمره اش هم بیست روحانی مسلط به زبان اشاره می‌باشد که در حال حاضر هسته‌ی مرکزی فعالیت‌های انجام شده در این مدت محسوب می‌شوند.

نوری: این کلاس‌ها در هفته چند ساعت برگزار می‌شد؟

رفعتی: این کلاس روز پنج‌شنبه و به شیوه کارگاهی و آموزشی در ۱۲ ساعت برگزار می‌شد. البته اولین نیاز این کلاس‌ها، استاد خوب و مسلط بود. با تلاش و رایزنی بسیار، آقای واشقانی را از تهران جهت آموزش دعوت کردیم. ایشان هم جدیت زیادی برای آموزش طلاب به خرج دادند. این دوره‌ی آموزشی به خوبی به پایان رسید و در مراسمی مدرک پایان دوره به همراه تقدیرنامه به شرکت‌کنندگان اعطا شد. در مراسم افتتاحیه حضرت آیت‌الله وحید نیز حضور داشتند.

نوری: آیا این کلاس‌ها کارگاه هم داشت؟

رفعتی: بله خاصیت زبان این است که نیاز به تمرین و ممارست زیادی دارد. زبان اشاره هم از این قاعده مستثنا نیست. در واقع استاد هنرش این بود که بچه‌ها را به کار و تلاش وامی‌داشت. و کلاس‌ها بیشتر جنبه‌ی کارگاهی داشت. بچه‌ها دونفر دونفر با هم به زبان اشاره صحبت می‌کردند و استاد به عنوان ناظر خطاها و اشتباهات را برطرف می‌کرد.

بهادری: این مجموعه قصدش این بود که سریعتر به نتیجه مطلوب برسد. حدود یک ماه تا دو ماه بود که شروع کرده بودیم و محرم شد. کارگاه را خیلی سریع تشکیل دادیم. دوره‌هایی که در جاهای دیگر برگزار می‌شد حدود هفت هشت ماه و بعضاً یک سال طول می‌کشید تا به جمله‌سازی برسند ولی به خاطر شور و اشتیاق طلاب و نیازهای میرم ناشنوایان و همت استاد سریعتر وارد جمله‌سازی شدیم به طوری که در محرم تبلیغ هم داشتیم. هدف ما این بود که طلاب بتوانند خیلی زود وارد حیطه ناشنوایان شوند و تبلیغ چهره به چهره داشته باشند.

فراهانی: در ماه محرم دوستان در قم و بنده در اراک در خدمت ناشنوایان بودیم. ما در ابتدای کار بودیم و رفتیم بین ناشنوایان و دیدیم که می‌شود با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. و از خودشان هم جهت ایجاد تعامل بهتر کمک می‌گرفتیم.

نوری: از چه طریق با آن‌ها آشنا شدید و ارتباط گرفتید؟
فراهانی: از مرکز مخابرات اراک با شماره «۱۱۸» با مدرسه ناشنوایان ارتباط برقرار کردم و پس از گرفتن نشانی به آنجا رفتم.

نوری: چرا با کانون ناشنوایان ارتباط برقرار نکردید؟
فراهانی: بنده اصلاً از وجود چنین کانون‌هایی اطلاع نداشتم وقتی هم با ۱۱۸ تماس گرفتم گفتم مرکزی را می‌خواهم که به ناشنوایان مربوط باشد. در استان مرکزی یک مدرسه راهنمائی - دبیرستان است که امکانات خوبی مثل خوابگاه دارد و ناشنوایان از نقاط مختلف استان برای تحصیل به این مدرسه می‌آیند. به هر حال درباره شیوه‌ی کار توضیحات لازم را برای مدیر مدرسه ارائه دادم. ایشان نیز گفتند که اگر هزینه نخواهید مشکلی نیست فقط باید از آموزش و پرورش استثنایی حکم بیاورید. به آموزش و پرورش استثنایی که مراجعه کردم متأسفانه با برخورد مناسبی مواجه نشدم. شاید اگر کسی غیر از من بود و به این کار علاقه‌ای نداشت دلسرد می‌شد. در آنجا به من گفتند شما باید از یک گروه تبلیغی معرفی شوید. استان مرکزی یک گروه تبلیغی به نام مصباح‌الهدی دارد با هماهنگی‌های لازم از سوی گروه ما به ناحیه معرفی شدیم. و ناحیه نیز با یک حکم تلفنی که اصلاً مکتوب هم نشد مجوز فعالیت را برایم صادر کرد. من در دهه اول محرم در همان خوابگاه و مدرسه، تبلیغ را شروع کردم و دهه صفر را هم در خوابگاه بودم. در همین زمان



(۱) احکام و عقاید و مسائل مبتلابه ناشنویان؛
(۲) محرم و عاشورا و امام حسین؛
(۳) روان‌شناسی خانواده.
این برنامه تا شب عاشورا ادامه پیدا کرد. برنامه‌ی بسیار خوبی بود. روز عاشورا هم اینها تعزیه‌ای درست کردند که آقای داراب‌زاده به عنوان ناظر در تمرینات حضور داشتند. اما مشکلی که در تعزیه ناشنویان

وجود داشت این بود که آن‌ها هر آن چه که شنیده بودند با واقعیت تناسب نداشت. بنابراین ما تعزیه‌ها را خودمان تدوین می‌کردیم و با آن‌ها تمرین هم داشتیم. به هر حال روحانیت سعی کرد در همه‌ی عرصه‌ها وارد شود؛ به خصوص تعزیه که خیلی مورد اقبال واقع شد.

رفعتی: اربعین سال گذشته اردوی زیارتی ناشنویان به کربلا برگزار شد و حدود ۳۰ نفر از ناشنویان تهران به کربلا اعزام شدند. در تهران یک هیئت خوب و فعال به نام هیئت امام حسن مجتبی (ع) واقع در منطقه هفت تیر برای ناشنویان برنامه دارد. این هیئت را دو برادر نیکوکار به نام‌های سید محمد و سید علی شهرستانی اداره می‌کنند. هیئت در منزل سید محمد شهرستانی که پسرعموی سید جواد شهرستانی است هر دو هفته یک‌بار برگزار می‌شود. این دو برادر خدمات زیادی به جامعه ناشنویان ارائه نمودند و از سال‌های قبل پیگیر امور ناشنویان بودند و دین زیادی به گردن آنها دارند. روزهای تاسوعا و عاشورا نیز ناشنویان را به حسینیه‌های بزرگ دعوت می‌کردند؛ برایشان مترجم و روحانی می‌آوردند که مستنداتش موجود است. حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ ناشنوا برای شرکت در مراسم هیئت می‌آیند. مسئول این گروه آقای بهزاد اشتری است. او افراد را دعوت و برنامه را مدیریت می‌کند. لازم به توضیح است که پیگیری‌های این دو برادر «سید محمد و سید علی شهرستانی» بود که منجر به حضور ناشنویان در قم و در نهایت تشکیل کلاس‌ها گردید. در اردوی ناشنویان به کربلا آن‌ها با لباس و فرم‌های خاصی راه نجف تا کربلا را پیاده پیمودند که مستنداتش موجود است.

نوری: آیا آن سی نفر پس از پایان سفرشان حرکت خاصی مانند میزگرد یا تجمع و مانند این‌ها را داشتند؟
رفعتی: بله بعضی از آن‌ها وقایع سفرشان را به صورت اشاره در شبکه‌های اجتماعی مانند یوتیوب به اشتراک گذاشته بودند.

نوری: انگیزه سید محمد و سید علی شهرستانی چه بود؟
رفعتی: انگیزه پاک خدمت‌رسانی به اقشار محروم جامعه. آن‌ها یکی دکتر و دیگری مهندس بودند ولی زندگی خود را وقف امور خیر به خصوص خدمت به ناشنویان کردند.

نوری: آیا در آن مراسم سخنران به زبان اشاره صحبت می‌کند؟
رفعتی: معمولاً آقای واشقانی آنجا حضور دارند ولی گاهی که دوستان ما به مراسم می‌روند به زبان اشاره صحبت می‌کنند.

یعنی دهه محرم و صفر حاج آقای داراب‌زاده و حاج آقا بهادری در قم برای ناشنویان تبلیغ می‌کردند.

نوری: شما برای کدام گروه دانش‌آموزی تبلیغ می‌کردید؟
فراهانی: متأسفانه به خاطر تعداد کم جمعیت ناشنویان که حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر بیشتر نبودند و بیست نفر از آن‌ها خوابگاهی بودند هر دو مقطع راهنمایی و دبیرستان مشترکند.

نوری: آیا آن‌ها زمینه‌های دینی و مذهبی قوی داشتند؟
فراهانی: چیزی که بنده مشاهده کردم این بود که آن‌ها حتی احکام اولیه مانند طهارت و وضو و نماز را هم نمی‌دانستند.

نوری: علت نداشتن احکام و وظایف دینی چیست؟ و خودشان علتش را چطور ارزیابی می‌کردند؟

فراهانی: چون کسی برای آن‌ها دلسوزی نکرده بود، از این‌رو تلاشی برای دعوت مبلغ و آشناسازی آنان با فرهنگ دینی نشده است. در واقع برای اولین بار مبلغ دینی آن هم با زبان اشاره می‌دیدند.

نوری: اما بعضی داوری و تلقی دیگری دارند و مثلاً می‌گویند نظام آموزشی باعث دین‌گریزی آنان شده است. به نظر شما علل عدم آگاهی مذهبی و بعد عمل نکردن به آموزه‌های شریعت چیست؟
فراهانی: ناشنویان آن‌قدر شور و اشتیاق یادگیری داشتند که هر جا می‌رفتیم و بیش از دو سه روز وقت نداشتیم اصرار می‌کردند که بمانیم تا آن‌ها بیشتر یاد بگیرند. آن‌ها به دلیل این که نتوانسته‌اند با روحانیت ارتباط برقرار کنند عقب مانده‌اند. البته شاید علل و عوامل دیگر هم مؤثر باشد ولی مهم‌ترین دلیل همین نکته است.

نوری: جناب بهادری شما چه فعالیت‌هایی در محرم داشتید؟
بهادری: بنده فعالیت خاصی در محرم نداشتم البته به همراه حاج آقای داراب‌زاده در جلسات شرکت می‌کردم. در رابطه با فعالیت‌های آقای داراب‌زاده باید بگویم که ایشان در یک هیئت که هیئت ناشنویان بود به نام هیئت صاحب‌الزمان صحبت می‌کردند. مسئول این هیئت آقای بهزاد رحمانی دوست بود او خود ناشنوا است. ما از استادمان درخواست کردیم که یک ناشنوا به کلاس بیاید تا ما به طور عملی با ناشنوا و نحوه ارتباط با او آشنا شویم. آقای رحمانی دوست هم یکی دو جلسه به کلاس آمدند. و ما فهمیدیم که او مسئول هیئت ناشنویان است. آقای داراب‌زاده کم‌کم با آن هیئت ارتباط گرفتند و ما فهمیدیم که این‌ها در هیئت برنامه دارند. برنامه آن‌ها بدین صورت بود که یا خودشان دور هم جمع می‌شدند و هر کس هر چه می‌دانست ارائه می‌داد، یا این که یکی دو شب تاسوعا و عاشورا یک روحانی دعوت می‌کردند تا برایشان سخنرانی کند، یک نفر هم به عنوان مترجم سخنان روحانی را ترجمه می‌کرد. آقای داراب‌زاده که وضعیت را این گونه دیدند؛ با توجه به این که ایشان فردی فعال و تیزهوش هستند از آن‌ها خواهش می‌کند که یک نفر را جهت اجرای برنامه به هیئت بیاورد. و از این طریق وارد عمل می‌شود. روز اول که وارد برنامه شدیم زبان اشاره را به طور کامل نمی‌دانستیم؛ از این‌رو اشاره‌ها را از خودشان می‌گرفتیم و به خودشان انتقال می‌دادیم. آقای داراب‌زاده هم همین کار را می‌کرد. در شب‌های سوم و چهارم کاملاً مسلط شده بود؛ حتی روضه‌خوانی و مداحی و سینه‌زنی را به روش زبان اشاره اجرا می‌کرد. ایشان برنامه‌شان را به چند بخش تقسیم‌بندی کرده بود:

بهداری: در اربعین دو روز یعنی اینجانب و آقای فراهانی در قم برنامه داشتیم. یک روز در کانون و یک روز در هیئت. در کانون نزدیک به ۶۰۰ نفر ثبت‌نام کرده بودند ولی غذا برای ۷۲۰ نفر تهیه کرده بودند. در آن برنامه گروه به طور رسمی شروع کرد و روحانی که زبان اشاره می‌دانست معرفی شد و برنامه بسیار خوبی اجرا گردید. در این برنامه قرآن و ترجمه آن به زبان اشاره خوانده شد. هم‌چنین روضه‌خوانی و نکات اخلاقی و پرسش و پاسخ از مهم‌ترین موضوعات برنامه به شمار می‌آمد. بعد از اربعین حدود ۲۰ تا ۲۵ روز به عید نوروز مانده بود که قرار شد در حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و مسجد مقدس جمکران غرفه‌ای برای ناشنوایان جهت پرسش و پاسخ داشته باشیم. از این رو کارگاهی تشکیل شد و طی ۱۵ روز، هر شب از ساعت ۷ تا ۹ در مدرسه باقرالعلوم به صورت فشرده زبان اشاره کار می‌کردیم. پس از ۱۵ روز سه چهار نفر از طلاب رسماً فعالیت را در حرم مطهر و مسجد مقدس جمکران آغاز کردند.

نوری: چگونه این موضوع را اطلاع‌رسانی و تبلیغ می‌کردید؟

فراهانی: ما نمی‌توانستیم به خوبی اطلاع‌رسانی کنیم چون آمار درستی از ناشنوایان ایران نداشتیم. حدود ۵۰۰ شماره تلفن داشتیم که به آن‌ها پیامک زدیم. اما با توجه به این که دریافت‌های ناشنوایان از طریق چشم می‌باشد لذا هر جا آرم خودشان را مشاهده کنند جذب و پیگیر می‌شوند. شهرهای مختلف، بدون اطلاع‌رسانی به محض دیدن آرم و علامت، جذب می‌شدند.

نوری: چه برنامه‌هایی برایشان تدارک دیده بودید؟

فراهانی: به آن‌ها بسته‌های فرهنگی شامل یک لوح فشرده و یک کتاب داده می‌شد که بیشتر برای افراد شنوا مناسب بود ولی بیشتر از این نمی‌توانستیم. گاهی هم با تبرکی حرم از آنان پذیرائی می‌شد.

نوری: آیا در بین بازدیدکنندگان ناشنوا افراد نخبه و برجسته هم حضور پیدا می‌کردند؟

بهداری: در ارتباط اولیه معلوم نیست کدامیک نخبه‌اند. البته ما هم در پی کشف نخبه‌ها نبودیم. ما آمده بودیم تا زبان اشاره را بیاموزیم و در باره ناشنوایان خیلی چیزها نمی‌دانستیم. این که آیا آنان حمایت می‌شوند و اگر حمایت می‌شوند چه ارگان و نهادی از آن‌ها حمایت می‌کند؟ چگونه می‌شود با آن‌ها در ارتباط بود؟ ما متأسفانه خیلی جاها با مانع مواجه شده. زیرا بر این باوریم که ما روحانی هستیم و به زبان اشاره مسلطیم و نیازی به مترجم نداریم؛ یعنی خودمان همه کاره‌ایم. این ارگان‌های دولتی هستند که باید از ما درخواست کمک کنند و از ما بخواهند تا وارد عمل شویم ولی در بسیاری از مواقع با بی‌مهری مواجه شدیم.

بعد از عید نوروز وارد فاطمیه دوم شدیم. تلاش شد از این فرصت هم استفاده شود و برنامه‌هایی اجرا کنیم؛ اما فقط روز شهادت برنامه داشتیم و تمام مسؤلیت اعم از دکوراسیون و غیره بر عهده خود روحانیون بود. این مراسم در مجتمع فرهنگی نور برگزار شد و حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ نفر شرکت کردند. موضوعات این برنامه شامل اجرای تعزیه، اجرای سرود، احکامی مختصر پیرامون نماز شکسته و نماز جماعت، خواندن زیارت حضرت زهرا(س) و سلام‌های مربوط به ایشان، و هم‌چنین بیان وقایع از شب عروسی تا وقایع بعد از شهادت حضرت فاطمه(س) توسط بنده و دیگر دوستان و ... بود که بسیار عالی‌تر از گذشته اجرا شد. بعد از عید هم نماز جماعت ظهر

و عصر در مدرسه راهنمایی ولایت واقع در میدان شهرداری برگزار شد؛ هم‌چنین بیان احکام به زبان اشاره و پرسش و پاسخ نیز در این برنامه گنجانده شد.

رفعتی: بعد از فاطمیه دوم همایش بسیار مفصل ۱۳ رجب بود که در سالن همایش‌های شیخ صدوق واقع در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) برگزار شد. ما ناشنوایان تهران را جهت شرکت در همایش دعوت کرده بودیم. تعداد زیادی آمده بودند. حدود ۸۰۰ - ۷۰۰ نفر مدعو داشتیم که همه با پیامک دعوت شده بودند. این برنامه همایش مذهبی روحانیونی که به زبان اشاره تسلط داشتند در باره حضرت علی (ع) برنامه اجرا کردند و اولین همایش مذهبی ناشنوایان بود. پس از همایش به استقبال ماه مبارک رمضان رفتیم و به نظرمان رسید طلاب را جهت تبلیغ به شهرهای مختلف اعزام کنیم. یکی از اهداف کلی ما تمرکززدائی است؛ یعنی این که فعالیت‌هایمان را فقط به قم و تهران معطوف نسازیم. زیرا مطمئن بودیم که در شهرهای دیگر به خصوص شهرهای کوچک این نیاز بیشتر احساس می‌شود و فعالیت در این عرصه کمتر صورت گرفته است. لذا با این رویکرد برنامه‌ریزی کردیم و با یک هیئت فعال در عرصه ناشنوایان به نام هیئت علمدار همکاری کردیم. توسط تعدادی از افراد با تجربه در زمینه ناشنوایان این هیئت که خیلی هم به زبان اشاره مسلط بودند و تعدادی از روحانیون، طرحی تدوین شد و در پانزده شهر دو تا سه روز برنامه داشتیم. این برنامه‌ها مورد اقبال واقع شد. طرح خوبی بود. اگر چه تعداد کمی از روحانیون حضور داشتند ولی آنان توانستند آموخته‌های خود را عملیاتی کنند و با جامعه ناشنوایان بیشتر آشنا شوند و این زمینه‌ای برای فعالیت‌های بعدی ما شد.

بهداری: تشکیل کلاس در اراک و کرمانشاه و سفر به شهرهای مختلف نتیجه‌ی استقبال و اشتیاق ناشنوایان بود. کم کم به این نتیجه رسیدیم که ورود روحانیون به امور فرهنگی ناشنوایان یک ضرورت است. به همین دلیل آموزش زبان اشاره به طلاب شهرهای اراک و کرمانشاه شروع شد. ثمره‌ی طرح هجرت، تشکیل کلاس‌های آموزش زبان اشاره به طلاب شهرهای اراک و کرمانشاه و هم‌چنین جشنواره مشهد است. شهرهایی مانند مراغه هم درخواست داده بودند ولی امکانات نداشتیم. ما در قم هم از شب سیزدهم تا شب بیست و هشتم در حرم مطهر حضرت معصومه (س) شبستان نجمه خاتون از ساعت ۱۰ شب تا ۲ برنامه داشتیم. در حرم اطاقی را به بیان احکام و عقاید و پرسش و پاسخ به زبان اشاره اختصاص دادیم. حدود ۵۰ نفر در برنامه شرکت می‌کردند حتی از شهرهای مختلف مانند اهواز و سیرجان هم حضور داشتند. شب‌ها برای متأهلان و بقیه روزها، همگانی و عمومی بود.

رفعتی: همزمان با قم این موج در سایر شهرها با اعزام دوستان وجود داشت و این جریان گسترش یافت.

بهداری: در رابطه با ماه مبارک رمضان چیزی که بسیار عجیب بود این است که ما در شب اول قدر برنامه نداشتیم ولی از شب دوم با همکاری هیئت مشهدی که آن‌ها دو شب بیشتر در قم برنامه نداشتند و بعد برای اجرای برنامه به تهران رفتند؛ مراسم را اجرا کردیم. در سومین شب قدر خودمان برنامه اجرا کردیم و در شب‌های بعد هم طرح هجرت را به تنهایی ادامه دادیم. اولین سالی بود که شب‌های قدر برای ناشنوایان قم برنامه اجرا شد. ناشنوایان در سال‌های پیش مانند دیگران به حرم یا اماکن مذهبی می‌رفتند ولی چیزی از دعا و



که تشکیل دادیم با یک اساسنامه و طرح و رویکرد خاصی شبهای یکشنبه در مورد خود گروه و نرم‌افزارهایی مثل پاورپوینت برای نشان دادن تصویر مطالب به ناشنویان به بحث و بررسی می‌نشینیم. و شبهای دوشنبه به تمرین و ممارست زبان اشاره می‌پردازیم تا هم تقویت شویم و هم فراموش نکنیم زیرا زبان اشاره به شدت فرار است.

نوری: برای انتقال مفاهیمی مثل احکام و عقاید و تاریخ اسلام باید یک متن اولیه و ساده شده داشته باشید تا بشود به زبان اشاره تعریف کرد آیا شما متن خاصی تهیه کرده‌اید؟

بهادری: متنی که قابل ارائه باشد نداریم؛ ولی هر جلسه‌ای که برای ناشنویان تشکیل می‌شود برای راحتی خودمان و قابل درک شدن برای ناشنوا مجبوریم متون را ساده کنیم.

نوری: چگونه متون را ساده می‌کنید؟

بهادری: ابتدا متنی را که می‌خواهیم ارائه دهیم گردآوری می‌کنیم؛ سپس انشای آن را به صورت ساده درمی‌آوریم؛ یعنی از لغات و واژگان ساده جهت ساده‌سازی استفاده می‌کنیم و در آخر اشاره‌هایش را پیدا می‌کنیم. ما برای ساده کردن متن سه کار انجام می‌دهیم. اول این که اصلاً به متن اصلی تکیه نمی‌کنیم تا عیناً و حرف به حرف همان را بگوییم. بلکه مفهوم را می‌رسانیم. به طور مثال در باب وضو مسأله‌ای مطرح می‌شود در مسائل بعد هم برای مسأله قبلی استثنا قائل می‌شود که مسأله قبلی را درگیر می‌کند. اگر ما مسأله و استثنایش را بگوئیم ممکن است ناشنوا متوجه نشود. بنابراین ما هر دو مسأله را جمع می‌کنیم و یک‌جا و ساده بیان می‌کنیم. مثلاً در حکم وضو جبیره این طور است که اگر جایی از بدن زخم شد وضو جبیره بگیر. در مسأله بعد شارع مقدس میگوید که برای وضو جبیره پارچه بگذار و در مسأله بعد این طور است که اگر پارچه خونی شد و خون بالا آمد پلاستیک بگذار. ما همه این مسائل را جمع می‌کنیم و می‌گوئیم اگر می‌خواهی وضو جبیره بگیر یا یک پارچه بگذار یا یک پلاستیک بگذار؛ یعنی سه مسأله جدا نمی‌گوئیم. دومین گام جهت ساده‌سازی استفاده از لغات و اصطلاحات بسیار ساده است. مثلاً به جای اصطلاح مأموم می‌گوئیم کسی که پشت سر امام جماعت، نماز می‌خواند. متأسفانه برای مأموم اشاره‌ای وجود ندارد و ما باید برایش اشاره تعریف کنیم؛ البته نه اشاره‌ای که بر کل کشور تحمیل شود. اما این یک واقعیت است که هر رشته تخصصی و اصطلاحات خاص خود را دارد. ما باید از ناشنوا بخواهیم برای کلمه‌ای مثل مرجع تقلید به ما اشاره بدهد؛ ولی برای این کلمه اشاره‌ای تعریف نشده است. ما تا کی

مراسم نمی‌فهمیدند. و برای اولین بار، شبهای قدر برای ناشنویان به زبان خودشان اجرا شد.

رفعتی: در طرح هجرت طلاب کیلومترها راه پیموندند تا بتوانند برای ناشنویان دیگر شهرها برنامه اجرا کنند. اکنون می‌خواهم در باره چشم‌اندازها صحبت کنم. بحث در این رابطه به دو بخش چشم‌اندازهای کوتاه‌مدت و چشم‌اندازهای بلندمدت تقسیم می‌شود. کارهایی که در حال حاضر پیش رو داریم و برایشان برنامه‌ریزی کرده‌ایم:

۱. برگزاری جلسه با جناب آقای قدمی رئیس آموزش و پرورش استثنایی. با توجه به این که این طلاب آموزش‌های لازم را در عرصه زبان اشاره دیده‌اند و در صدد تکمیل آن هستند، لذا ما از ایشان تقاضا داریم تا مجوز حضور این عزیزان در مدارس ناشنویان سراسر کشور را صادر نمایند تا هم باعث تقویت زبان اشاره طلاب گردد و هم با کار بر روی دانش‌آموزان ناشنوا سبب رشد و تعالی دینی و مذهبی آنان گردند. زیرا این کودکان و نوجوانانند که باید از ابتدا انگیزه‌های دینی و مذهبی‌شان شکل بگیرد. برنامه‌ی تشکیل جلسه با ایشان در حال پیگیری است.

۲. رایزنی با کانون‌های مهم. متأسفانه کانون ناشنویان ایران استقبال خوبی از این عمل خیرخواهانه نکرد.

۳. تشکیل مجدد کلاس‌های آموزش زبان اشاره برای طلاب قم و تهران از مهرماه امسال. ما تا ۱۰۰ نفر طلبه ظرفیت داریم که برنامه‌ریزی آن در حال انجام است. این سه گام مهم از اهداف کوتاه‌مدت ما بود که امیدواریم به زودی به همه‌ی آن‌ها دست یابیم.

یکی از اهداف بلندمدت ما روان‌سازی کتب و متون مذهبی است. با توجه به این که ناشنویان نمی‌توانند به راحتی کتاب بخوانند؛ لذا لازم و ضروری است کتب و متون برایشان روان‌سازی شود و این، کار را برای ما سخت و دشوار کرده است. البته دوستان تجربه‌ی ساده‌سازی دعای ندبه را دارند. چون باید ترجمه دعا برای ناشنویان ساده و قابل فهم باشد لذا این متن سه بار بازنویسی شد. ناشنویان به کتاب‌های مذهبی نیاز جدی دارند. اکثر آنها رساله عملیه را نمی‌دانند چیست؟ از این رو احکام شرعی و اولیه خود را نمی‌دانند. اینها گویای کم‌کاری طلاب و حوزویان و مسئولان فرهنگی و مذهبی است و همه باید پاسخگو باشند. توضیح المسائل و دیگر کتب مذهبی باید ساده سازی و به زبان اشاره عرضه شود. یکی دیگر از اهداف ما طراحی سایت فعال و به روز می‌باشد. برنامه‌ریزی‌های آن صورت گرفته و باید به فکر غنی‌سازی آن باشیم. نام سایت «یاسین دیف» است و امیدواریم بتوانیم در ساعاتی از روز به صورت آنلاین پاسخگوی نیازهای ناشنویان در سراسر کشور در حوزه‌های دینی، مشاوره خانواده و غیره باشیم. یکی دیگر از اهداف بلندمدت، تأسیس یک مرکز آموزشی دینی مرتبط با حوزه علمیه برای افراد استثنایی است. با توجه به این که افراد استثنایی مانند اوتیسم‌ها و معلولان جسمی و ذهنی هم بخشی از جامعه به شمار می‌آیند و آموزش احکام و مسائل دینی و مذهبی آنان نیز بر دوش روحانیت است. سعی می‌کنیم یک مرکز آموزشی مرتبط با حوزه برای این قشر محروم جامعه دایر کنیم تا دینمان را نسبت به این عزیزان ادا کرده باشیم. ما می‌خواهیم مردم بدانند که در حوزه علمیه هم دغدغه این افراد وجود دارد. البته این طرح بسیار جامع و گسترده است و ما چون محرومیت ناشنویان را به وضوح حس کردیم بیشتر به این قشر پرداختیم.

بهادری: کاری که در حال انجام آن هستیم این است که در کارگروهی



بین اشاره طبیعی و استاندارد را نمی‌دانند؛ وقتی از آنان می‌پرسیم از میان چند نمادی که برای شیطان به کار برده می‌شود کدام یک طبیعی است در پاسخ می‌گویند همه این‌ها طبیعی‌اند. در پاسخ به فرمایشات شما مبنی بر عدم پذیرش تعریف اشارات توسط دیگران از سوی ناشنوایان باید خدمت‌تان عرض کنم که اتفاقاً قبول می‌کنند. بنده در طول یک سال نشست و برخاست با ناشنوایان به این نتیجه رسیدم که این‌ها هر آن چه که می‌بینند اشاره می‌کنند. تجربه‌ای که من در اولین اشاره‌ام داشتم در رابطه با عمروعاص بود. با توجه به این که عمروعاص دارای صفت حيله‌گری و

حقه‌بازی است؛ لذا از آنان اشاره حيله را گرفتیم و برای عمروعاص به کار بردم و آنان هم پذیرفتند و این در حالی بود که من شنوا آن اشاره را تعریف کرده بودم.

نوری: آیا بهتر نیست در زمینه اسلام و مذهب تشیع اول تکلیف اشارات روشن شود بعد به ساده‌سازی متون بپردازیم؟ آیا شما برای حل این مسأله تدابیر جدی و اساسی اندیشیده‌اید؟ به نظر بنده ابتدا باید نمادها و اشارات تدوین و تصویب شود؛ توضیح‌المسائل شامل حدود ۴۰۰۰ اصطلاح است و باید به همین اندازه نماد اشاره داشته باشیم در حالی که فقط ۴۲ نماد مذهبی داریم.

رفعتی: سالانه همایشی برای مترجمان زبان اشاره در مشهد برگزار می‌شود. این همایش سه سال است که هر سال با رونق خاصی برگزار شده است. حدود سه ماه پیش هم بنده در این همایش حضور داشتم. بخشی از همایش به خلق اشارات اختصاص می‌یابد. در این جمع افراد زبده و نخبه اعم از شنوا و ناشنوا که ذوق خوب و سرشاری در خلق اشارات دارند حضور پیدا می‌کنند و به تعریف نمادها و رأی‌گیری برای اشارات ارائه شده می‌پردازند. مثلاً سونوگرافی و انواع اصطلاحات پزشکی در جلسه به رأی گذاشته می‌شد. شنواها با هم بحث و بررسی و جمع‌بندی می‌کردند و سپس دو ناشنوا نخبه می‌آوردند و بین آن دو رأی‌گیری می‌کردند و یک نماد به عنوان اشاره اصلی انتخاب می‌شد. گاهی هم خود ناشنوایان پیشنهاد جالب‌تری می‌دادند و نماد آنان انتخاب می‌شد. ما هم باید چنین جلساتی ترتیب دهیم و برای آن هزینه کنیم و از افراد باسابقه و باتجربه و نخبه در این عرصه دعوت به همکاری نمائیم. وقتی ما وارد صحنه شویم نیازها آشکار می‌شوند. ما نباید کارهای مان را به خصوص در زمینه تدوین متوقف کنیم و باید هم‌زمان پیش برویم. در زمینه گردآوری الفاظ و تدوین نمادها هم باید عرض کنم که ما نرم‌افزار زبان اشاره را طراحی کرده‌ایم که روی سیستم عامل اندروید کار می‌کند. البته ما هنوز در حال تکمیل آن هستیم و در حال حاضر نسخه آزمایشی آن قابل ارائه است. در این نرم‌افزار الفاظ و نمادهای مرتبط با آن تعبیه شده که قابل جستجو است چنانچه لغت و نمادی که توسط کاربر جستجو می‌شود در نرم‌افزار وجود

باید صبر کنیم تا برای این اصطلاح نماد تعیین شود؟ برای حل این مشکل و برای انتقال مفهوم به ناشنوا در همان جلسه‌ای که حضور داریم این مسأله را با خودشان مطرح می‌کنیم. مثلاً نماد روحانی را نشان می‌دهیم؛ نماد پیروی کردن را هم نشان می‌دهیم؛ در نتیجه مرجع تقلید همان روحانی است که از او پیروی می‌کنیم و تا آخر جلسه اشاره مرجع تقلید همان است. به این طریق یک اشاره بین خودمان درست می‌کنیم؛ همان کاری که ناشنوایان بین خودشان انجام می‌دهند.

نوری: آیا این دو مرحله «ساده‌سازی و تعریف نماد» را شما از جایی دیده یا شنیده‌اید یا ابتکار خودتان است؟

بهداری: خیر ابتکار خودمان است. البته موانع و محدودیت‌های زیادی هم سر راهمان قرار می‌گرفت. از جمله این موانع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ممکن است برخی لغات و اصطلاحات اشاره نداشته باشند.
۲. کسی نیست که برای این اصطلاحات نماد تعریف کند.
۳. خودشان خیلی از اشارات را قبول ندارند. همان طوری که در کتاب برای یک لغت، یک اشاره وجود دارد و بین ناشنوایان شهرها و استان‌ها هم برای همان لغت اشاره‌های دیگر وجود دارند. مثلاً برای شیطان ۴ یا ۵ اشاره تعیین کرده‌اند.

نوری: آیا تا کنون مشاهده کرده‌اید که مثلاً برای شیطان از چند نماد استفاده می‌شود؟

بهداری: بله.

نوری: ولی مدارس استثنایی این‌ها را قبول ندارند و کنار آمدن شما با آن‌ها بسیار مشکل است. ما هم در طی چندین سال کار و پژوهش به نتیجه‌ای که شما به آن دست یافتید رسیدیم. آموزش و پرورش استثنایی هم معتقد است که یک گروه شنوا باید قوانین اشاره را تنظیم و وضع و تصویب کنند و یک نماد مشخص مثلاً برای شیطان تعریف شود ولی نود درصد ناشنوایان قبول نمی‌کنند و معتقدند هر شهری آداب و رسوم و عرف خاص خود را دارد و اشارات نیز باید متناسب با همان فرهنگ و آداب و رسوم تعیین شوند.

بهداری: مسأله‌ای که وجود دارد این است که ناشنوایان اصلاً فرق

کنیم باز هم به روز نمی‌شود. ما نباید خودمان را متوقف بر تأیید و عدم تأیید دیگران کنیم. و در کم‌ترین زمان ممکن بازدهی بیشتری داشته باشیم و به کارها سرعت دهیم. ما باید رساله عملیه که نیاز اولیه ناشنوایان است به زبان اشاره تدوین کنیم به گونه‌ای که وقتی روحانی می‌بینند بتوانند سؤال کنند. ما هم متن را ساده می‌کنیم و هم نمادسازی می‌کنیم.

رفعتی: در فرآیند تکمیل کار عیوب آن بیشتر آشکار می‌شود و ما هم سعی داریم کار بی‌عیب ارائه نماییم؛ البته در کنار این کار تصویر را هم خواهیم داشت. بنده چند نمونه احکام مصور در دفتر دارم که برای دانش‌آموزان تهیه شده است. یک رساله دو جلدی احکام مصور در نرم‌افزار پاورپوینت طراحی شده که تا درصدی می‌توان مطالب را تفهیم کرد.

نوری: در آلمان انجیل را به زبان اشاره به صورت فیلم و زیرنویس تدوین کرده بودند. خوب است ما هم چنین کاری کنیم.

رفعتی: ما هم در استودیوی مرکز در حال ضبط احکام به زبان اشاره به همراه متن ساده به صورت زیرنویس هستیم که به سراسر کشور ارسال خواهد شد. ما حدود ۲۰ ساعت برنامه ضبط شده و قابل ارائه داریم. البته یک پروژه در دست اقدام داریم و آن هم تدوین قرآن و ترجمه به زبان اشاره است.

نوری: مشکلی که در حال حاضر با آن مواجهیم این است که متأسفانه مسئولان تلقی درستی از صرف بودجه و هزینه برای ناشنوایان ندارند و معتقدند همه ناشنوایان باسوادند و می‌توانند متون را بخوانند؛ لذا نیازی به تبدیل احکام و متون دیگر به زبان اشاره نیست؛ ولی در کشورهایی مثل اردن هزینه‌های زیادی برای تبدیل متون به زبان اشاره صرف می‌شود. آن‌ها حتی تاریخ اسلام و تفسیر طبری را هم به اشاره تبدیل کرده‌اند ما هنوز نتوانستیم رساله عملیه را که یک نیاز ضروری است به زبان اشاره تبدیل کنیم. بنابراین اگر مرجعیت بابت این هدف مهم پیش‌قدم شود آبروی شیعه در جهان اسلام خریده می‌شود؛ هر چند هزینه سنگینی دربردارد.

بهداری: ما آمده‌ایم که بگوییم هزینه‌ها آن قدر هم سنگین نیست.

رفعتی: مرجعیت برای این کارهای مهم هزینه می‌کند. این کم‌کاری ماست که دنبالش نرفتیم. ما اگر بگوییم نصف کار از ما و نصف دیگر هم از شما مطمئناً همکاری لازم صورت خواهد گرفت.

نوری: با توجه به این که ما با ناشنوایانی سر و کار داریم که ممکن است چیزی از زبان اشاره ندانند؛ لذا مانند کودکان که تازه می‌خواهند با الفاظ و زبان اشاره آشنا شوند لازم است طرحی جامع نوشته شود تا از اساس علاوه بر ساده‌سازی متون تمامی نمادهای مرتبط نیز در ذیل متون آورده شود مثلاً جمله‌ی نماز واجب است تمامی نمادهای مربوط به این جمله نیز نمایش داده می‌شود.

بهداری: کار دشوار و سنگینی است به نظر من متن خیلی روشن‌تر و گویاتر از نماد است.

نوری: بنده معتقدم با توجه به این که ما با گروه‌های مختلف سنی ناشنوایان سر و کار داریم؛ باید کار اساسی و ریشه‌ای انجام شود.

رفعتی: بله ما هم امیدواریم و از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

نداشته باشد با ارسال کلمه به مرکز می‌شود آن را به بانک اطلاعات نرم‌افزار اضافه کرد. ما با طراحی این نرم‌افزار قصد داریم تا زبان اشاره را توسعه دهیم.

نوری: دو موضع در مورد زبان اشاره وجود دارد یکی آموزش و پرورش استثنایی، دانشگاه علوم بهزیستی و صدا و سیما که با زبان اشاره مخالفند و دیگری موضوع کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره که موافق زبان اشاره هستند. به نظر شما بهتر است با کدام یک همکاری کرد؟

رفعتی: نتیجه‌ای که مجموعه گروه تبلیغی گرفته این است که ما با هر گروهی کار کنیم گروه‌های دیگر برخورد می‌کنند. ما به این باور رسیدیم که خودمان توانایی خلق اشارات را داریم و نیازی به تأیید هیچکس نداریم. وقتی این چهار جلد کتاب نوشته می‌شد همه با آن مخالفت می‌کردند ولی اکنون همه این کتاب را محور قرار دادند و همین کتاب سبب ارتباط طلاب با ناشنوایان شد. در میان ناشنوایان، نخبگانی هستند که اشارات را خودشان خلق می‌کنند و بعد از مدتی جا می‌افتد چون خود ناشنوا آن را به وجود آورده و کسی در آن دخیل نبوده است. ما نمی‌توانیم چیزی را بر آن‌ها تحمیل کنیم.

نوری: آیا برای ساده‌سازی رساله عملیه روش خاصی را در نظر دارید؟

بهداری: ما در کارگروه‌مان دو سه شورا تشکیل دادیم. یکی برای احکام و دیگری برای عقاید و یک شورا هم برای موضوعات دیگر دینی. ما کتب و رسالات خاصی را جهت بررسی به آقایان ارائه می‌دهیم. آن‌ها هم دو سه نفری راجع به آن مشورت می‌کنند؛ خلاصه و سپس ساده می‌کنند. ما هم به کارگروه می‌آوریم و با هم بحث می‌کنیم و راجع به متن خلاصه و ساده شده نظرخواهی می‌کنیم. سپس متن برای بار دوم بازخوانی می‌شود؛ ایرادات برطرف شده و لغات ساده‌تر ارائه خواهد شد و در آخر به تصویب نهائی می‌رسد. پس از تصویب، دوستان به دنبال اشاره‌ها می‌روند. در به کارگیری لغات نیز سعی می‌شود از واژگانی که اشاره دارند استفاده شود و اگر هم اشاره‌شان نباشد از کلمات مترادفی که اشاره دارند بهره گرفته شود. بعد با هم تمرین می‌کنند و در کارگروه ارائه می‌دهند. در همان کارگروه بررسی و اشکالات آن برطرف می‌گردد. و از دیدگاه یک ناشنوا هم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به تصویب می‌رسد. این اشارات به ما کمک می‌کند تا بفهمیم آیا متن به خوبی ساده‌سازی شده یا نه؟ تا متن درست را به ناشنوا انتقال دهیم به طوری که اگر در هر نقطه از کشور مترجمی پیدا شد که به احکام و امور دینی تسلط نداشت به سهولت بتواند مفهوم را به ناشنوا انتقال دهد و حتی خود ناشنوایان هم بتوانند با خواندن متن درک درستی از مطلب به دست آورند.

نوری: آیا این طرح مصوب شده است؟

بهداری: بله در همین جا لازم می‌دانم به این مسأله اذعان کنم که ما قصد نداریم احکام را مصور بگوییم؛ اولین هدف ما روان‌سازی رساله است.

نوری: به نظر شما بهتر نیست ما مذهبی‌ها نمادهای متن ساده شده را در ذیلش بیاوریم و برای نظرخواهی به شهرهای مختلف بفرستیم و اگر تأیید شد به تصویب نهایی برسائیم؟

بهداری: زبان اشاره به قدری عقب مانده که اگر ۲۴ ساعت هم کار